



# درخواست اعاده دادرسی در رویه دادگاهها



عنوان و نام پدیدآور	:	درخواست اعاده دادرسی در رویه دادگاهها / گروه پژوهشی انتشارات چراغ دانش.
مشخصات نشر	:	تهران: چراغ دانش، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	:	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۸-۱۴-۳ ۲۰۸ ص.
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	اعاده دادرسی -- ایران
موضوع	:	Restitution -- Iran
موضوع	:	آین دادرسی در دادگاه -- ایران
موضوع	:	Court rules -- Iran
شناسه افزوده	:	انتشارات چراغ دانش
رد بندی کنگره	:	/۵۴ ۱۳۹۵KMH۸۵۴۷
رد بندی دیوبی	:	۲۴۶/۵۵۰۲۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۲۷۱۲۴۴

### شناسنامه

عنوان کتاب: درخواست اعاده دادرسی در رویه دادگاهها  
 مؤلف: گروه پژوهشی انتشارات چراغ دانش  
 ناشر: انتشارات چراغ دانش  
 ناظر چاپ: رسول زینالی  
 نوبت چاپ: اول/۱۳۹۵  
 قطع و تیراژ: وزیری / ۱۰۰۰ نسخه  
 قیمت: تومان  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۸-۱۴-۳

### کد کتاب: ۶۳

چراغ دانش را در گوگل جستجو کنید. [www.cheraghdanesh.com](http://www.cheraghdanesh.com)

دفتر مرکزی: تهران، میدان هفت سینه، خیابان امام خمینی، پلاک ۴، کوچه اندرونی پارک ۳ و ۶ واحد ۷۶ و ۱۴

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۱۴۰۶۰۱  
 فax: ۰۲۱ ۸۸۱۴۰۶۰۱

حق چاپ برای انتشارات چراغ دانش محفوظ است. هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز کتبی از ناشر خلاف قانون بوده و بیکرد قانونی دارد.



### بنیاد بین‌المللی حقوقی سنا

«بنیاد بین‌المللی حقوقی سنا» با تیمی متشكل از مؤلفین، مدرسین، وکلا و کارشناسان مجرب با کارگروههای تخصصی در حوزه‌های: املاک و اراضی، سرقفلی، بیمه‌ای، گمرکی، ثبتی، وصول مطالبات، تنظیم قراردادها، ارث و امور حسبي، امور خانواده و مسائل کيفري آمده ارائه مشاوره و پاسخگويي به پرسش‌های حقوقی هم‌ميهنان محترم مي‌باشد.

گروه وکلای سنا: ۰۲۱ ۸۸۱۴۰۶۰۲-۸۸۸۶۵۱۲۰

ارتباط مستقیم با دفتر واحد دعاوى: ۸۸۱۴۰۸۰۸



### انتشارات چراغ دانش

انتشارات چراغ دانش اعلام می‌دارد طی گزارش‌های دریافتی و پیگیری های بازرسین این انتشارات مشخص گردیده است بعضی از اشخاص از اسم و آرم انتشارات چراغ دانش سوءاستفاده نموده یا به مجموع خود را نماینده یا شعبه‌ای از انتشارات چراغ دانش در خیابان انقلاب در تهران و حتی بعضی از استانها و شهرستان ها معرفی نموده اند که ضمن پیگیری قانونی و برخورد قضایی با این اشخاص خاطی به استحضار همکاران حوزه نشر، چاپ و پخش كتاب شدر صورت وجود نمایندگی در شعب در تهران یا شهرستان ها اين موضوع در سایت رسمي انتشارات اعلام خواهد شد.

تهران، میدان هفت تیر، ورودی مدرس، کوچه مازندرانی، پ ۴، ط ۶، واحد ۱۴

تلفن تماس: ۰۲۱ ۸۸۱۴۰۶۰۱-۲

[wwwcheraghdanesh.com](http://wwwcheraghdanesh.com)

چراغ دانش چراغ راه اندیشه‌هاست.



## فهرست کلی

۱۳.....	مقدمه
۱۵.....	معرفی درخواست اعاده دادرسی و نمونه دادخواست
۱۷ .....	مبحث اول: تعریف و انواع اعاده دادرسی
۱۷ .....	گفتار اول: آراء قابل اعاده دادرسی
۱۹ .....	مبحث دوم: جهات اعاده دادرسی
۲۴ .....	مبحث سوم: مهلت و اصحاب دعوا در اعاده دادرسی
۲۴ .....	گفتار اول: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۲۵ .....	گفتار دوم: اصحاب دعوا در اعاده دادرسی
۲۶.....	مبحث چهارم: نحوه درخواست اعاده دادرسی
۲۶.....	گفتار اول: اعاده دادرسی اصلی
۲۷.....	گفتار دوم: اعاده دادرسی طاری
۲۹ .....	مبحث پنجم: تشریفات رسیدگی به اعاده دادرسی
۲۹ .....	گفتار اول: هزینه دادرسی اعاده دادرسی
۲۹ .....	گفتار دوم: محل تقديم دادخواست اعاده دادرسی
۳۱ .....	مبحث ششم: آثار اعاده دادرسی
۳۱ .....	گفتار اول: اثر قبول اعاده دادرسی بر اجرای حکم
۳۲ .....	گفتار دوم: نقض حکم مورد درخواست اعاده دادرسی
۳۷.....	درخواست اعاده دادرسی در آرای دیوان عالی کشور
۳۹ .....	مبحث اول : آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور
۴۷ .....	مبحث دوم : آرای اصراری دیوان عالی کشور
۵۳ .....	مبحث سوم : آرای شعب دیوان عالی کشور
۶۷ .....	درخواست اعاده دادرسی در آرای دادگاهها
۶۹.....	مبحث اول : آرای دادگاههای بدوي و تجدیدنظر
۱۲۰.....	مبحث دوم : آرای دادگاههای انتظامی قضات
۱۳۱ .....	درخواست اعاده دادرسی در نشستهای قضائی
۱۶۷.....	درخواست اعاده دادرسی در نظریههای مشورتی

۱۹۱.....	درخواست اعاده دادرسی در قوانین و مقررات
۱۹۳.....	از قانون آیین داد رسی مدنی
۱۹۷.....	از قانون آیین دادرسی کیفری
۲۰۱.....	بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور
۲۰۳ .....	منابع و مأخذ

### فهرست جزئی

۱۳.....	مقدمه
۱۵.....	معرفی درخواست اعاده دادرسی و نمونه دادخواست
۱۷.....	مبحث اول: تعریف و انواع اعاده دادرسی
۱۷.....	گفتار اول: آراء قابل اعاده دادرسی
۱۹.....	مبحث دوم: جهات اعاده دادرسی
۲۴.....	مبحث سوم: مهلت و اصحاب دعوا در اعاده دادرسی
۲۴.....	گفتار اول: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۲۵.....	گفتار دوم: اصحاب دعوا در اعاده دادرسی
۲۶.....	مبحث چهارم: نحوه درخواست اعاده دادرسی
۲۶.....	گفتار اول: اعاده دادرسی اصلی
۲۷.....	گفتار دوم: اعاده دادرسی طاری
۲۹.....	مبحث پنجم: تشریفات رسیدگی به اعاده دادرسی
۲۹.....	گفتار اول: هزینه دادرسی اعاده دادرسی
۲۹.....	گفتار دوم: محل تقدیم دادخواست اعاده دادرسی
۳۱.....	مبحث ششم: آثار اعاده دادرسی
۳۱.....	گفتار اول: اثر قبول اعاده دادرسی بر اجرای حکم
۳۲.....	گفتار دوم: نقض حکم مورد درخواست اعاده دادرسی
۳۷ .....	درخواست اعاده دادرسی در آرای دیوان عالی کشور
۳۹.....	مبحث اول : آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور
۳۹.....	۱. مرجع رفع اختلاف در امر صلاحیت در رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی

۲. قرار رد درخواست اعاده دادرسی از حکم دادگاه حقوقی	۴۳
مبحث دوم : آرای اصراری دیوان عالی کشور	۴۷
۱. ابتدای مهلت اعاده دادرسی	۴۷
۲. جهت و مبدأ مهلت اعاده دادرسی در احکام مغایر	۵۰
مبحث سوم : آرای شعب دیوان عالی کشور	۵۳
۱. خصوصیات اعاده دادرسی مبنی بر اعمال ماده ۱۸ و تشخیص خلاف شرع	۵۳
۲. عدم صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به تقاضای اعاده دادرسی	۵۶
۳. کتمان سند جهت تجویز اعاده دادرسی	۵۹
۴. درخواست اعاده دادرسی با استناد به پرونده بدوي	۵۹
۵. اعاده دادرسی مجدد	۶۰
۶. مرجع رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی	۶۰
۷. اعاده دادرسی و رد دعوای خلع ید	۶۱
درخواست اعاده دادرسی در آرای دادگاهها	۶۷
مبحث اول : آرای دادگاههای بدوي و تجدیدنظر	۶۹
۱. اعاده دادرسی به علت عدم صدور حکم در ماهیت امر	۶۹
۲. عدم پذیرش اعاده دادرسی به استناد استشهادیه مکتب	۷۰
۳. قطعیت رأی دادگاه بدوي راجع به اعاده دادرسی	۷۳
۴. عدم امکان تجدیدنظرخواهی آراء قطعی	۷۴
۵. عدم ذکر شماره دادنامه مورد اعاده دادرسی	۷۷
۶. قطعیت رأی دادگاه عمومی در رد اعاده دادرسی از رأی شورای حل اختلاف	۷۹
۷. اعاده دادرسی به دلیل حیله و تقلب در تحصیل حکم	۸۱
۸. عدم امکان اعاده دادرسی نسبت به قرار رد دعوا	۸۳
۹. عدم ارائه صورت جلسه جدید مورد استناد جهت اعاده دادرسی	۸۵
۱۰. تجدیدنظر و اعاده دادرسی نسبت به آرای شورای حل اختلاف	۸۶
۱۱. تأثیر تصریح به قابلیت تجدیدنظر آرای قطعی	۸۸
۱۲. عدم استناد به سند موجود در مرجع رسمی در درخواست اعاده دادرسی	۹۱
۱۳. اعاده دادرسی نسبت به رأی داور	۹۳
۱۴. اعاده دادرسی به علت تقلب در دعوای اجرتالمیث	۹۵

۱۵. مصدق سند مكتوم در دعواي اعاده دادرسي ..... ۹۸
۱۶. ارائه سند مكتوم جهت اعاده دادرسي ..... ۱۰۱
۱۷. مصاديق تعارض آرای موجب اعاده دادرسي ..... ۱۰۳
۱۸. اعاده دادرسي در دعواي تخلية و انتزاع يد ..... ۱۰۶
۱۹. درخواست اعاده دادرسي با ارائه قرارداد اجاره ..... ۱۰۹
۲۰. تجويز اعاده دادرسي مبني بر حكم صدور حكم تخلية ..... ۱۱۱
۲۱. اعاده دادرسي مبني بر تخلية مورد اجاره به علت تغيير شغل ..... ۱۱۲
۲۲. شهادت شهود جهت تجويز اعاده دادرسي در دعواي تخلية ..... ۱۱۳
۲۳. اعاده دادرسي نسبت به يك فقره چك بابت ثمن قرارداد ..... ۱۱۵
۲۴. درخواست اعاده دادرسي در دعواي مطالبه وجهالالتزام ..... ۱۱۷
<b>مبحث دوم : آرای دادگاه های انتظامی قضاط ..... ۱۲۰</b>
۱. تجويز اعاده دادرسي بدون رعایت قوانین آيین دادرسي مدنی ..... ۱۲۰
۲. رد دادخواست اعاده دادرسي با توسل به عدم صلاحیت دادگاه ..... ۱۲۰
۳. رسیدگی مجدد به دعواي مختومه ..... ۱۲۱
۴. تقاضاي اعاده دادرسي مانع اجرای حكم نیست ..... ۱۲۱
۵. درخواست اعاده دادرسي به احکام دادگاه عالی انتظامی قضاط ..... ۱۲۳
۶. اعاده دادرسي مبني بر محکومیت بازپرس ..... ۱۲۴
۷. اعاده دادرسي در دعواي خلعي و تحويل مبيع ..... ۱۲۵
۸. غير قابل اعاده دادرسي بودن رد تقاضاي پروانه وکالت ..... ۱۲۷
۹. اعاده داوری از تخفیف مجازات ..... ۱۲۷
<b>درخواست اعاده دادرسي در نشست های قضائی ..... ۱۳۱</b>
۱. حق تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسي برای شركت های بيمه ..... ۱۳۳
۲. مرجع رسیدگی به تقاضاي اعاده دادرسي از رأي پژوهشی و قطعی ..... ۱۳۴
۳. اعتراض ثالث طاري در مرحله واخواهی مقايسه تأييد رأي با صدور ..... ۱۳۴
۴. تقاضاي تقسيم مجدد ماترك بر اساس مدارک جديد و اعاده دادرسي ..... ۱۳۶
۵. اعاده دادرسي در مهلت تجدیدنظرخواهی ..... ۱۳۸
۶. معيار كتمان سند برای اعاده دادرسي ..... ۱۳۸
۷. مرجع رسیدگی به اعاده دادرسي در مورد حكم بدوى تأييد شده در دادگاه تجدیدنظر ... ۱۳۹

۸. نحوه اعاده دادرسی نسبت به آرای ابرام شده در دیوان عالی کشور	۱۴۰
۹. مرجع صالح برای اعاده دادرسی پرونده‌ای که دادخواست تجدیدنظر	۱۴۲
۱۰. نسبت به احکام صادره از دادگاه‌های عمومی	۱۴۳
۱۱. قابلیت تجدیدنظرخواهی قرار رد اعاده دادرسی	۱۴۴
۱۲. تقاضای اعاده دادرسی با عنایت به اظهارنظر هیئت کارشناسان	۱۴۵
۱۳. عدم جواز رسیدگی مجدد نسبت به حکم قطعی	۱۴۷
۱۴. اعاده دادرسی نسبت به حکم صادره الزام به تنظیم سند رسمی	۱۴۸
۱۵. جهات و مهلت اعاده دادرسی طبق مواد ۴۲۶ و ۴۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی	۱۵۰
۱۶. کشف مدرکی دال بر جعلی بودن سند ارائه شده از سوی محاکومله	۱۵۱
۱۷. اعاده دادرسی با ارائه دلیل جدید در دعوای تصرف عدوانی	۱۵۲
۱۸. اعاده دادرسی پس از اثبات جعلیت سند	۱۵۳
۱۹. تقاضای اعاده دادرسی از محاکومیت به حبس در تصادف رانندگی	۱۵۴
۲۰. تخفیف مجازات پس از اعاده دادرسی	۱۵۶
۲۱. اعاده دادرسی یا فرجام‌خواهی با استناد به رأی نقض شده	۱۵۶
۲۲. اعاده دادرسی در پرونده قتل عمدى	۱۵۷
۲۳. تقاضای مطالبه مهر به نرخ روز یا اعاده دادرسی	۱۵۸
۲۴. اجرای دو حکم پرداخت وجه چک با استرداد لشه همان چک	۱۵۸
۲۵. تکلیف احکام معارض در اجرای احکام	۱۵۹
۲۶. رد درخواست اعاده دادرسی	۱۶۰
۲۷. قابلیت اعاده دادرسی حکم قطعی	۱۶۱
۲۸. مرجع صالح برای رسیدگی به اعاده دادرسی	۱۶۱
۲۹. کتمان سند در اعاده دادرسی	۱۶۲
۳۰. مرجع اعاده دادرسی در صورت قطعیت حکم تجدیدنظر	۱۶۳
درخواست اعاده دادرسی در نظریه‌های مشورتی	۱۶۷
۱. هزینه دادرسی مرحله پژوهشی و فرجامی و خسارات دادرسی	۱۶۹
۲. اعاده دادرسی و اخراج مستخدم	۱۷۰
۳. اعاده دادرسی از رأی دادسرا	۱۷۰
۴. اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه مدنی خاص	۱۷۱

۵. مرجع رسیدگی به دعوای اعاده دادرسی .....	۱۷۱
۶. تقاضای همزمان اعاده دارسی و نقض حکم.....	۱۷۲
۷. عدم اعتراض به آرای قطعی جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث .....	۱۷۳
۸. اعاده دادرسی نسبت به حکم قطعی دادگاه تجدیدنظر .....	۱۷۳
۹. صرف پذیرش اعاده دادرسی کافی برای رسیدگی نیست.....	۱۷۴
۱۰. جهات تجدیدنظرخواهی بهمنظور استفاده در اعاده دادرسی .....	۱۷۵
۱۱. میزان هزینه دادرسی در اعتراض شخص ثالث و اعاده دادرسی .....	۱۷۶
۱۲. دادگاه صالح رسیدگی به اعاده دادرسی از رأی برخلاف شرع .....	۱۷۶
۱۳. اعاده عملیات اجرایی حکم احرا شده .....	۱۷۷
۱۴. اعاده دادرسی در دعوای جعل .....	۱۷۷
۱۵. اعاده دادرسی از رأی دادگاه عمومی .....	۱۷۸
۱۶. اعاده دادرسی از ابطال گزارش مأمور ابلاغ .....	۱۷۹
۱۷. اعاده دادرسی از رأی شورای حل اختلاف .....	۱۸۰
۱۸. اعاده دادرسی در انتقال ملک فروخته شده .....	۱۸۰
۱۹. اعاده دادرسی به خواسته ابطال سازشنامه و انتقال ملک مشاعی .....	۱۸۱
۲۰. اعاده دادرسی به علت اشتباه در نظریه کارشناس .....	۱۸۱
۲۱. عدم تلقی شهادت شهود از جهات اعاده دادرسی .....	۱۸۲
۲۲. اعاده دادرسی نسبت به جهات دیگر رأی برخلاف شرع .....	۱۸۲
۲۳. ارائه دادخواست تقابل ابطال سند در دعوای اعاده دادرسی .....	۱۸۳
۲۴. شرط صدور قرار قبولی جهت رسیدگی به ماهیت دعوای اعاده دادرسی .....	۱۸۳
۲۵. مرجع صالح برای پذیرش دادخواست اعاده دادرسی .....	۱۸۴
۲۶. اعاده دادرسی در اتهام به جعل مأمور ابلاغ .....	۱۸۴
۲۷. اعاده دادرسی از رأی ابرام شده .....	۱۸۵
۲۸. تقاضای اعاده دادرسی نسبت به جعلی بودن سند عادی .....	۱۸۵
۲۹. عدم ذکر جهت موجه درخواست اعاده دادرسی .....	۱۸۶
۳۰. قيد شماره حکم دادگاه بدوى در دادخواست اعاده دادرسی .....	۱۸۷
۳۱. عدم نسخ ماده واحده لایحه قانونی راجع به تجویز اعاده دادرسی .....	۱۸۷
۳۲. رسیدگی به تقاضای اعاده دادرسی نسبت به حکم بدوى .....	۱۸۸

۳۳. مرجع تقدیم دادخواست اعاده دادرسی ..... ۱۸۸
۳۴. منظور از دادگاه صادرکننده حکم ..... ۱۸۹
درخواست اعاده دادرسی در قوانین و مقررات ..... ۱۹۱
از قانون آیین داد رسی مدنی ..... ۱۹۳
مبحث دوم - مهلت درخواست اعاده دادرسی ..... ۱۹۳
مبحث سوم - ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی ..... ۱۹۴
از قانون آیین داد رسی کیفری ..... ۱۹۷
بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور ..... ۲۰۱
منابع و مأخذ ..... ۲۰۳



## مقدمه

معمولاً رویه عملی دادگاهها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصاديق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاهها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات بهصورت تئوری و بدون تطبیق با مصاديق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولاً چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشتہ وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاهها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی وکالت، قضاؤت و بهطورکلی رشتہ حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاهها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخها و اختلافنظرهای کسانی که هر روز بهصورت عملی در حال انطباق قوانین با مصاديق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشتہ حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی درواقع محرك رشتہ حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوقدانان خواهد شد. از این‌رو ناشران تخصصی این حوزه، هرکدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی بهصورت منظم و منحصر به‌فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه بهصورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعوای...»

در رویه دادگاهها» که شامل موارد زیر است تدوین و تأليف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛

۲. آرای اصراری؛

۳. آراء شعب دیوان‌عالی کشور؛

- ۴. آراء دادگاههای بدouی و تجدیدنظر؛
- ۵. نشستهای قضائی؛
- ۶. نظریههای مشورتی؛
- ۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛
- ۸. نمونه دادخواست و معرفی دعوا.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعوا به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعته به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء دادگاهها (دادگاه بدouی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد؛ مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد.

مختصر ویژگی‌های کتاب:

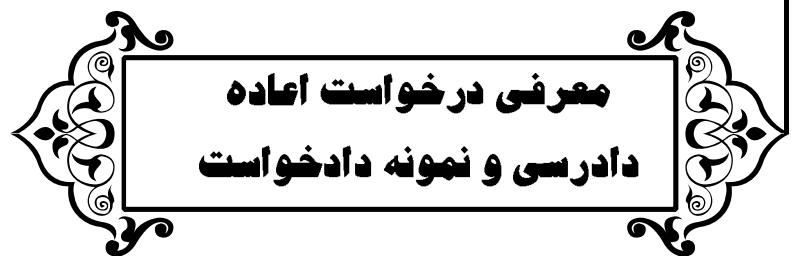
- ۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛
- ۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هر کدام از مطالب؛
- ۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛
- ۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛
- ۵. دسترسی سهل و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.

«گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پریار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

یک هزار و سیصد و نواد و پنج

## الفصل اول





## مبحث اول: تعریف و انواع اعاده دادرسی

قانون آیین دادرسی مدنی از اعاده دادرسی تعریفی به عمل نیاورده و صرفاً به بیان موارد آن بسنده نموده است. اساتید آیین دادرسی در این مورد نوشته‌اند: «اعاده دادرسی یکی از طرق فوق العاده شکایت از احکام و یک طریقه عدولی است. راهی است برای بازگشت نزد همان دادگاهی که حکومت کرده به منظور درخواست عدول از رأیی که آن دادگاه سابقاً داده و شاکی مدعی صدور آن از روی اشتباه (سهو یا خطأ) باشد.»<sup>۱</sup>

بنابراین اعاده دادرسی از طرق فوق العاده شکایت از آراء قطعی می‌باشد که فقط ویژه احکام بوده و شامل اعتراض به قرار نمی‌باشد. در اصل اعاده دادرسی، رسیدگی ماهیتی دوباره به دعوا، به درخواست محکوم‌علیه است که نزد مرجع صادرکننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی، مطرح می‌گردد و نوعی از شکایت عدولی است و تا زمانی که طرق عادی رسیدگی مانند واخواهی و تجدیدنظر مفتوح باشد، مجالی برای طرح اعاده دادرسی نیست (رأی وحدت رویه ۶۳۸-۷۸/۸/۱۱). لذا حکم غیابی که هنوز قطعی نشده است را نمی‌توان اعاده دادرسی نمود.

### گفتار اول: آراء قابل اعاده دادرسی

آراء قابل اعاده دادرسی در ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. بیان گردیده است. این موارد، عبارتند از:  
الف) تمامی احکام قطعی: مطابق صدر ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. نسبت به احکامی که قطعیت یافته، ممکن است درخواست اعاده دادرسی گردد؛ بنابراین تمام احکام قطعی، اعم از اینکه نسبت به آن درخواست تجدیدنظر شده یا نشده باشد و سپس قطعی شده باشد، درخواست اعاده دادرسی امکان‌پذیر می‌باشد. قابل ذکر است؛ این پیش‌بینی

۱. احمد متین دفتری، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۲، تهران، ۱۳۴۳، ص ۵۹۶



نقض آراء قطعی، در خصوص آراء قطعی دیوان عدالت اداری وجود ندارد و این امر مورد انتقاد اساتید آیین دادرسی مدنی قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

**ب) رأی داوری:** در خصوص رأی داور نیز اعاده دادرسی امکان‌پذیر است، البته این مسئله در مقررات داوری ایران، پیش‌بینی نشده و در قانون داوری تجاری بین‌المللی پیش‌بینی شده است که اگر مجعلیت سند مستند حکم و یا کتمان سند مشخص شود از موارد درخواست ابطال رأی داور می‌باشد.

**ج) احکامی که به علت فرجام‌خواهی در حال رسیدگی در دیوان عالی کشور هستند.**

۱. اگر پرونده‌ای که مورد درخواست اعاده دادرسی قرار گرفته در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد و در این میان دادگاه صادرکننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی قرار قبولی درخواست اعاده دادرسی را صادر کند، رسیدگی در دیوان تا صدور حکم، متوقف خواهد شد.

۲. در خصوص احکامی که در دیوان عالی کشور ابرام گردیده، می‌بایستی درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی تقدیم شود تا مرجع مزبور درخواست را برای رسیدگی به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع نماید. در واقع دیوان عالی کشور با ارجاع پرونده به مرجع پایین‌تر (دادگاه صادرکننده رأی) جواز فسخ رأیی را که ابرام نموده، صادر می‌نماید.

**اولاً:** از احکام قطعی همزمان می‌توان اعاده دادرسی و فرجام‌خواهی نمود البته در صورت حصول شرایط فرجام‌خواهی برای رأی.

**ثانیاً:** احکام دیوان عالی کشور قابل اعاده دادرسی نمی‌باشد.

---

۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، چ نوزدهم، دراک، ۱۳۸۷، صص ۴۲۸-۴۲۹.



## مبحث دوم: جهات اعاده دادرسی

نسبت به احکامی که قطعیت یافته به هفت جهت امکان درخواست اعاده دادرسی وجود دارد و خارج از جهاتی که اشاره می‌شود، دادگاه قرار قبولی دادخواست فوق را صادر نمی‌نماید و دادخواست اعاده دادرسی رد می‌شود، جهات مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

۱. صدور حکم در موضوعی که مورد ادعای خواهان نبوده است: منظور از موضوع مورد ادعای خواهان، همان خواسته است که در دادخواست اصلی یا اضافی مطرح می‌شود و یا تا پایان جلسه اول رسیدگی، مطرح شده باشد؛ لذا اگر خواهان خارج از موعد مقرر و بعد از پایان جلسه اول خواسته را اضافه نموده باشد و دادگاه نسبت به آن حکم صادر کرده باشد، چون مطالبه این خواسته قابلیت اعتنا را نداشته، لذا حکم صادره نسبت به آن قبل اعاده دادرسی است. قبل ذکر است جهت تشخیص این مورد باید خواسته دعوا با لحاظ توضیحات فوق با مفاد یا منطق حکم انطباق داده شود.

۲. حکم به بیشتر از خواسته خواهان صادر شده باشد: اگر محکوم به، بیش از میزانی باشد که در دادخواست نوشته شده، این جهت اعاده دادرسی محقق می‌گردد. البته باید توجه داشت که خواهان می‌تواند خواسته خود را در تمام طول دادرسی کاهش و تا پایان اولین جلسه دادرسی افزایش یا تغییر دهد. در این صورت خواسته تغییر یافته ملاک تشخیص تحقق این جهت می‌باشد. قبل ذکر است اگر حکم به میزان کمتر از خواسته صادر شده باشد از جهات اعاده دادرسی نیست.

۳. تضاد در مفاد حکم که ناشی از استناد به اصول یا به مواد متضاد باشد: صدور احکام متضاد بدین شرح که:

۱. صدور دو حکم مخالف (نه قرار و حکم مخالف)، بنابراین لازم است هر دو، حکم باشند.
۲. هر دو حکم، متضاد قطعی باشند.



۳. دو حکم، مخالف هم باشند.

۴. دعوای منتهی به صدور حکم نخست همان دعوای منتهی به صدور حکم دوم باشد و نه تنها اصحاب دو دعوا بلکه موضوع دو دعوا و سبب هر دو یکی باشد.

۵. هر دو حکم باید از یک دادگاه صادر شده باشد.

۶. حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن که قبل از توسط همان دادگاه صادر شده است، متضاد باشد بدون آن که سبب قانونی موجب این مغایرت باشد. قابل ذکر است مطابق رأی اصراری شماره ۳۸۸۵-۱۲/۲۲: «شعب مختلف از حوزه قضائی واحد، دادگاه واحد شمرده می‌شود.» قابل توجه است از آنجایی که تضاد میان دو حکم از موجبات فرجامخواهی نیز می‌باشد، محکومعلیه در صورت قابل فرجامخواهی بودن رأی، اختیار دارد، بین فرجامخواهی و اعاده دادرسی یکی یا هر دو را انتخاب کند.

۷. طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حیله و تقلیبی به کار برده که در حکم دادگاه مؤثر بوده است:

اولاً: حیله و تقلب مصادیق گوناگونی داشته و تشخیص اینکه عملی حیله و تقلب شمرده شود با عرف است؛

ثانیاً: این حیله و تقلب در صورتی از جهات اعاده دادرسی است که در حکم دادگاه مؤثر بوده حتی جزوی و بایستی حیله و تقلب صورت گرفته علت تامه صدور حکم باشد؛

ثالثاً: در برخی موارد بسته به نوع حیله، ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و بعد از صدور حکم مبني بر مجرمیت، مستند درخواست اعاده دادرسی فراهم می‌گردد؛ ولیکن در مواردی، حیله و تقلب صورت گرفته از نظر قانون کیفری جرم تلقی نمی‌گردد و یا به جهاتی مثل مرور زمان یا فوت متقلب، تعقیب کیفری غیرممکن است؛ لذا در صورتی که



اقدام کیفری ممکن نباشد، راه طرح دعوای حقوقی مبنی بر صدور حکم اعلام حیله و تقلب طرف مقابل باز است.

**ع. اثبات جعلیت اسنادی که مستند حکم دادگاه بوده‌اند:** برای تحقق این جهت شروط ذیل بایستی محقق گردد:

**شرط اول:** جعلی بودن اسنادی که مستند حکم دادگاه قرار گرفته، بایستی پس از صدور حکم ثابت شوند. البته در خصوص شهادتنامه باید گفت که هرچند شهادتنامه فقط اعتبار شهادت را داشته، ولی اگر جعلی بودن شهادتنامه ثابت شود و حکم دادگاه هم مستند به شهادتنامه باشد که بعد از صدور حکم جعلی بودن آن ثابت گردد، این شرط حاصل شده است.

**شرط دوم:** سند مجعلو باید مستند حکم مورد درخواست اعاده دادرسی قرار گرفته باشد، در غیر اینصورت با وجود جعلی بودن سند، چون اساس یا سبب تام صدور حکم نبوده، نمی‌تواند از جمله جهات اعاده دادرسی قلمداد گردد.

**شرط سوم:** صرف ادعای جعلیت مستند حکم کفایت نمی‌کند و جعلی بودن سند بایستی به موجب حکم نهایی در مرجع صالح به اثبات رسیده باشد و حکم نهایی مجعلوی آن باید پیوست دادخواست اعاده دادرسی باشد.

بنابراین برای تحقق شرط سوم باید مجعلویت سند بعد از صدور حکم و پیش از درخواست اعاده دادرسی ثابت شود و اگر مجعلویت سند پیش از صدور حکم احراز شود نباید مورد استناد رأی دادگاه قرار گیرد و اگر مورد استناد رأی دادگاه قرار گیرد، از موارد نقض در دیوان عالی کشور خواهد بود.

در این خصوص طرح دعوای جعلیت به دو صورت امکان دارد:

**الف) شکایت کیفری جعل از طریق کیفری:** چون جعل یک عنوان مجرمانه است، رسیدگی به این جرائم در صلاحیت ذاتی محاکم کیفری قرار دارد.



ب) درخواست صدور حکم مبنی بر مجعلولیت سند از طریق حقوقی: متضرر از هر جرمی، می‌تواند برای رفع یا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و یا حتی برای اثبات عملی که جرم شمرده می‌شود و گرفتن حکم مربوطه، بی‌آنکه بر جرم بودن عمل تأکید و مجازات خوانده را درخواست کند، دعوای حقوقی اقامه نماید و دلیل امکان حق اقامه ادعای جعل ساده از مراجع حقوقی نیز این است که در مواردی که اثبات جعلیت سند از طریق مراجع کیفری غیرممکن باشد، مانند حصول مرور زمان یا فوت و جنون جاعل، مدعی جعلی بودن سند بتواند این مهم را به اثبات برساند، در غیر این صورت برخلاف اصل اقامه دعوا و عدالت بوده و تالی فاسد دارد.

۷. پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی باید و ثابت شود. اسناد و مدارک یاد شده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختبار متقاضی نبوده است: دو حالت برای این مورد قابل تصور می‌باشد.

الف) اثبات اصالت سند: هرگاه سندی که مورد ادعای یکی از اصحاب دعوا بوده با ادعای جعل طرف مقابل روپرور نشده و به علت جعلی اعلام شدن آن، استناد کننده به سند، محکوم شود و اگر ضمن آن تعیین جاعل نیز خواسته شده و دادگاه به هر دو یکجا رسیدگی نماید و سند را مجعلول تشخیص و استناد کننده را محکوم کند و فاعل جعل را نیز به مجازات مقرر محکوم نماید. بعد از اینکه حکم مذکور قطعی شد، اعاده دادرسی نسبت به حکم صادره، در اصل و دعوا به جهت اثبات بعدی اصالت سند، مستند حکم بسته می‌ماند؛ زیرا دادگاه در خصوص امور حقوقی و کیفری، رأی صادر و اعتبار امر مختومه پیدا کرده است. حال اگر پس از قطعیت حکم مزبور، اصالت سند به موجب رأی قطعی کیفری ثابت شود، یکی دیگر از جهات اعاده دادرسی محقق می‌گردد. در واقع صاحب سند می‌تواند با استناد به رأی قطعی کیفری مزبور که به



موجب آن، سند اصیل تشخیص داده شده، نسبت به حکم محکومیت خود در دعوای حقوقی مزبور درخواست اعاده دادرسی نماید.

ب) به دست آمدن اسناد و مدارک که مکتوم بوده است: اگر پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یاد شده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده، یکی دیگر از جهات اعاده دادرسی محقق می‌گردد.

قابل توجه است که: مدارک بدهست آمده باید مکتوم بوده و در اختیار متقاضی اعاده دادرسی نبوده باشد و اعم از اینکه نوشتگات را طرف مقابل مکتوم داشته یا باعث کتمان آنها بوده یا بدون دخالت طرف مقابل مکتوم مانده باشد؛  
ثانیاً: اسناد و مدارک باید پس از صدور حکم مورد درخواست اعاده دادرسی به دست متقاضی برسد، بدین معنی که این اسناد و مدارک در زمان رسیدگی وجود داشته، اما در اختیار متقاضی نبوده است؛ بنابراین اسنادی که بعد از صدور حکم تنظیم شود از این حیث اعتباری نداشته و نمی‌توانند عامل اعاده دادرسی باشند.



## مبحث سوم: مهلت و اصحاب دعوا در اعاده دادرسی

### گفتار اول: مهلت درخواست اعاده دادرسی

مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و مقیم خارج از کشور ۲ ماه می‌باشد که ابتدای مهلت در موارد مختلف، متفاوت است.

**بند اول:** ابتدای مهلت اعاده دادرسی در موارد زیر از تاریخ ابلاغ حکم قطعی می‌باشد.

۱. موضوع حکم اگر مورد ادعای خواهان نبوده باشد.
  ۲. حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد.
  ۳. وجود تضاد در مفاد یک حکم که ناشی از استناد به اصول یا مواد متضاد باشد.
- نسبت به موارد یاد شده باید تاریخ ابلاغ حکم مشخص باشد.

قابل ذکر است در احکام غیابی از تاریخ پایان یافتن مهلت واخواهی و تجدیدنظر محاسبه می‌شود. همچنین در خصوص احکام حضوری تفاوتی بین آثار ابلاغ واقعی و قانونی وجود ندارد و مهلت اعاده دادرسی نسبت به آن دسته از احکامی که به صورت غیابی صادر می‌شود؛ ولی قابلیت تجدیدنظرخواهی ندارد، از زمان انقضای مهلت واخواهی می‌باشد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در خصوص احکام غیابی که قابل اعاده دادرسی باشد. نوع ابلاغ می‌تواند در ابتدای مهلت مؤثر باشد.

نکته آخر اینکه در تمامی مواردی که وکیل در دعوا دخالت داشته و حکم مورد درخواست اعاده دادرسی به او ابلاغ شده باشد، این ابلاغ به وکیل که حق وکالت در اعاده دادرسی را نداشته باشد از حیث محاسبه ابتدای مهلت اعاده دادرسی معتبر نبوده و ابتدای مهلت اعاده دادرسی از تاریخ ابلاغ حکم به اصلیل می‌باشد.

**بند دوم:** در صورت مغایرت دو حکم؛ ابتدای مهلت اعاده دادرسی، تاریخ آخرین ابلاغ هریک از دو یا چند حکم است که با هم مغایرت دارند.



**بند سوم: در صورت حیله و تقلب:** ابتدای مهلت اعاده دادرسی تاریخ ابلاغ حکم قطعی شده مربوط به اثبات جعل اسناد و یا حیله و تقلب است.

**بند چهارم: در صورت به دست آمدن اسناد و مدارک مکتوم:** در صورتی که جهت اعاده دادرسی به دست آمدن اسناد و مدارک مکتوم باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی، تاریخ وصول اسناد یا آگاهی از وجود آن است که این تاریخ وصول یا اطلاع از وجود چنین اسناد و مدارکی باید در دادگاه رسیدگی کننده به اثبات برسد.

در تمامی موارد ذکر شده در احتساب مهلت اعاده دادرسی عذر موجه درخواست کننده اعاده دادرسی مطابق ماد ۳۰۶ لحاظ می شود. از جمله مریضی که مانع حرکت است، فوت یکی از والدین و همسر یا اولاد، حوادث قهریه، توقيف یا در حبس بودن و مهلتهای مذکور بعد از رفع این موانع محاسبه می گردد.

#### گفتار دوم: اصحاب دعوا در اعاده دادرسی

اعاده دادرسی باید توسط محکوم علیه حکم، علیه محکومله درخواست شود، درخواست اعاده دادرسی را وکیل یا نماینده قانونی محکوم علیه نیز می تواند مطرح نماید. در مورد صغیر و محجور، نیز ولی یا قیم به عنوان نماینده می توانند دعوا را مطرح کنند.

قابل ذکر است درخواست اعاده دادرسی از سوی قائم مقام محکوم علیه، علیه قائم مقام محکومله قابل پذیرش است (مانند موردی که وراث محکوم علیه، علیه وراث محکومله درخواست اعاده دادرسی دهند). و ورود و جلب ثالث نیز در دعوای اعاده دادرسی مجاز نمی باشد؛ زیرا طبق قانون غیر از طرفین دعوا شخص دیگری به هیچ عنوان نمی تواند داخل در دعوا شود.